

# کتاب یوئیل و کلیسای لاودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم - شماره دوم

Jeff Pippenger

2025-12-02

## شماره دو

با اشتیاقی عمیق چشم‌به‌راه زمانی هستم که رویدادهای روز پنتیکاست با قدرتی حتی بیش از آن هنگام تکرار شود. یوحنا می‌گوید: «فرشته‌ای دیگر را دیدم که با قدرتی عظیم از آسمان فرود می‌آمد؛ و زمین از جلال او روشن شد.» آنگاه، همان‌گونه که در موسم پنتیکاست، مردم حقیقتی را که برایشان گفته می‌شود، هر کس به زبان خود خواهند شنید.

«خدا می‌تواند در هر جانی که صادقانه خواهان خدمت به اوست جان تازه بدمد، و لب‌ها را با اخگری افروخته از روی مذبح لمس کند و آنان را در ستایش او فصیح سازد. هزاران صدا از قدرت به زبان آوردن حقایق شگفت‌انگیز کلام خدا سرشار خواهند شد. زبان لکنت‌زده باز خواهد شد، و بیم‌دلان قوی خواهند شد تا به حق شهادتی دلیرانه ادا کنند. خداوند قوم خود را یاری دهد تا هیکل جان را از هر آلودگی تطهیر کنند، و چنان پیوندی نزدیک با او نگاه دارند که چون باران پسین فرو ریخته شود، از آن بهره‌مند شوند.» Review and Herald، ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۶.

پنتکاست، وقتی به‌عنوان یکی از اعیاد خداوند در نظر گرفته شود، نمی‌توان آن را از فیصح، عید فطیرها، قربانی نوبر و عید هفته‌ها جدا کرد. پنتکاست یک دوره زمانی است، هرچند در عین حال یک نقطه در زمان نیز هست. از همین رو آن را «فصل پنتکاست» می‌نامند. این فصل با مرگ، دفن و قیام مسیح آغاز شد. پس از عروجش، مسیح چهل روز تعلیم شخصی را آغاز کرد و سپس ده روز در بالاخانه گذشت که در آنجا وحدت محقق شد. ۱۱ سپتامبر آغازگر دوره‌ای بود که در ایالات متحده با قانون یکشنبه به پایان می‌رسد. آن قانون یکشنبه به‌عنوان یک نقطه زمانی با روز پنتکاست نشان داده می‌شود؛ نقطه‌ای در زمان که پیش از آن دوره‌ای قرار دارد که از ۱۱ سپتامبر آغاز شده است. از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، «فصل پنتکاست» تکرار می‌شود.

پطرس توضیح داد که پدیده معجزه‌آسای «زبان‌های آتش» نه از سر مستی و سبک‌سری، بلکه تحقق آنچه در کتاب یوئیل آمده است؛ زیرا علیه این پیام مناقشه‌ای درگرفته بود. «زبان‌ها» نمایانگر بیان پیام‌اند و «آتش» نمایانگر روح‌القدس است. پیام پنتیکاست بیانگر پیوند الوهیت (خدا آتشی فروبرنده است) با جنبه انسانی زبان است. همان‌گونه که پطرس در زمان باران پسین نماینده یکصد و چهل و چهار هزار است، یهودیان خرده‌گیر نیز نماینده قوم عهد پیشین‌اند که دقیقاً در همان هنگام باریدن باران پسین از آنان درگذشته می‌شود.

و همگی از روح‌القدس پر شدند و به زبان‌های دیگر سخن گفتن را آغاز کردند، چنان‌که روح به ایشان قدرت سخن گفتن می‌بخشید. و در اورشلیم، یهودیانی پارسا از هر قوم زیر آسمان ساکن بودند. و چون این خبر منتشر شد، انبوهی از مردم گرد آمدند و مبهوت شدند، زیرا هر کس می‌شنید که ایشان به زبان خود او سخن می‌گویند. و همه در شگفت و تعجب ماندند و به یکدیگر می‌گفتند: اینک، آیا همه اینانی که سخن می‌گویند جلیلی نیستند؟ پس چگونه هر یک از ما آنان را به زبان خود که در آن زاده شده‌ایم می‌شنویم؟ پارت‌ها و مادها و عیلامیان، و ساکنان بین‌النهرین، و یهودیه و قهدوقیه، و پنتوس و آسیا، فریجیه و پامفیلیه، در مصر و در نواحی لیبی پیرامون قیرنه، و مسافران روم، یهودیان و نوکیشان، کرتیان و عرب‌ها؛ ما می‌شنویم که آنان به زبان‌های ما اعمال عظیم خدا را بازگو می‌کنند. و همه شگفت‌زده شدند و سرگردان مانده، به یکدیگر گفتند:

این چه معنا دارد؟ اما برخی دیگر با ریشخند گفتند: این مردان مست شراب تازه‌اند. ولی پطرس با آن یازده برخاست و صدای خود را بلند کرد و به آنان گفت: ای مردان یهودیه و همه شما که در اورشلیم ساکنید، این را بدانید و به سخنان من گوش فرا دهید؛ زیرا اینان، چنان که می‌پندارید، مست نیستند، زیرا هنوز ساعت سوم روز است. اعمال رسولان ۴: ۲-۱۵.

پطرس پنتیکاست را به‌عنوان تحقق کتاب یوئیل توضیح می‌دهد. او این کار را به‌طور نبوی انجام می‌دهد، در حالی که تمام جهان نمایندگی شده است، زیرا متن می‌گوید شنوندگان «از هر قوم زیر آسمان» آمده بودند. در ۱۱ سپتامبر زمین با جلال مسیح روشن شد و سپس بار دیگر، در هنگام قانون یکشنبه، صد و چهل و چهار هزار نفر، هنگامی که چون علمی در برابر تمام جهان برافراشته می‌شوند، جلال مسیح را به‌کمال منعکس خواهند کرد. دوره پنتیکاست از ۱۱ سپتامبر آغاز شد و در قانون یکشنبه پایان می‌یابد.

هیچ‌یک از ما هرگز مهر خدا را دریافت نخواهد کرد، تا وقتی که در منش‌مان حتی یک لکه یا داغی باشد. این بر عهده ماست که نقایص منش خود را برطرف کنیم و هیکل جان را از هر ناپاکی پاک سازیم. آنگاه باران پسین بر ما خواهد بارید، همان‌گونه که باران پیشین در روز پنتیکاست بر شاگردان فرو ریخت.

ما خیلی زود به دستاوردهای خود دل‌خوش و راضی می‌شویم. خود را دولتمند و برخوردار از اموال بسیار می‌پنداریم و نمی‌دانیم که «بیچاره و بدبخت و فقیر و کور و عریان» هستیم. اکنون زمان آن است که به اندرز شاهد راستین گوش فرا دهیم: «تو را پند می‌دهم که از من طلای آزموده در آتش بخری تا دولتمند شوی؛ و جامه سفید، تا پوشیده شوی و شرمساری برهنگی‌ات آشکار نشود؛ و چشمانت را با مرهم چشم بمال تا بینا شوی.» ...

اکنون است که باید خود و فرزندان‌مان را از آلودگی‌های جهان بی‌لکه نگه داریم. اکنون است که باید جامه‌های شخصیت خود را بشوییم و آنها را در خون بره سفید سازیم. اکنون است که باید بر غرور، هوس و کاهلی روحانی غلبه کنیم. اکنون است که باید بیدار شویم و برای توازن شخصیت تلاشی مصمم به کار بندیم. «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل‌های خود را سخت مسازید.» ما در موقعیتی بس دشوار قرار داریم؛ منتظر و مراقب ظهور پروردگارمان. جهان در تاریکی است. «اما شما، ای برادران،» پولس می‌گوید، «در تاریکی نیستید تا آن روز شما را چون دزدی غافلگیر کند.» همواره مقصود خدا این است که از تاریکی، نور؛ از اندوه، شادی؛ و برای جان منتظر و مشتاق، از خستگی، آرامش پدید آورد.

ای برادران، در کار عظیم آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا یکی می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌سازند. آنان که به خود بی‌اعتمادند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند—اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر شود و مهر نهاده گردد، منش ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه خواهد ماند.

"اکنون وقت آمادگی است. مهر خدا هرگز بر پیشانی مرد یا زن ناپاک نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مرد یا زن جاه‌طلب و دنیادوست نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مردان یا زنانی با زبان‌های دروغگو یا دل‌های فریبکار نهاده نخواهد شد. همه کسانی که مهر را دریافت می‌کنند باید در برابر خدا بی‌لکه باشند—شایستگان آسمان. پیش بروید، ای برادران و خواهران من. در این زمان تنها می‌توانم به اختصار درباره این نکات بنویسم و صرفاً توجه شما را به ضرورت آمادگی جلب کنم. خودتان کتاب مقدس را بررسی کنید تا حدیث هراس‌انگیز این ساعت حاضر را دریابید." شهادت، جلد ۵، ۲۱۴، ۲۱۶.

در اینجا، خواهر وایت پنتیکاست را به عنوان نقطه‌ای در زمان معرفی می‌کند که با قانون یکشنبه در ایالات متحده، «وقتی فرمان صادر می‌شود»، هم‌زمان است. با این حال، هرچند او قانون یکشنبه و پنتیکاست را به عنوان نقطه‌ای زمانی نشان می‌دهد، پیام او که دعوت به آمادگی است، دوره‌ای را که پیش از قانون یکشنبه قرار دارد و فصل پنتیکاست نمونه آن است، مشخص می‌کند. قانون یکشنبه آزمون سبت روز هفتم است، و دوره میان ۱۱ سپتامبر و قانون یکشنبه را می‌توان به صورت نمادین «روز تدارک خداوند» نامید. آمادگی بر آزمون مقدم است.

«باران پسین بر یکصد و چهل و چهار هزار خواهد بارید»، همان‌گونه که «باران پیشین در روز پنتیکاست بر شاگردان فرو بارید.» دوره‌ای که به عنوان فصل پنتیکاست شناخته می‌شود، با پاششی آغاز شد، هنگامی که مسیح پس از خروج خویش بازگشت.

و چون این را گفت، بر ایشان دمید و به ایشان گفت: روح‌القدس را دریافت کنید. یوحنا ۲۰:۲۲.

دم او روح‌القدس را می‌رساند و همین دم است که صدای کلمات را پدید می‌آورد. عیسی کلمه است و دم او روح‌القدس را از طریق اعطای کلام خود می‌رساند. همین دم بود که پیکر آدم را حیات بخشید، و همین دم است که سپاه استخوان‌های خشک مردگان برخاسته حزقیال را زنده می‌کند.

عمل مسیح در دمیدن روح‌القدس بر شاگردانش و بخشیدن آرامش خود به آنان، همچون چند قطره پیش از بارش فراوانی بود که قرار بود در روز پنجاه عطا شود. روح نبوت، جلد ۳، 243.

در آغاز فصل پنتیکاست، «دم» مسیح روح‌القدس را به شاگردان عطا کرد، اما بعضی شک کردند.

اما توما، یکی از آن دوازده، که دیدموس خوانده می‌شد، هنگامی که عیسی آمد، با آنان نبود. پس دیگر شاگردان به او گفتند: «خداوند را دیده‌ایم.» اما او به ایشان گفت: «اگر اثر میخ‌ها را در دستانتان نیبیم و انگشت خود را در جای میخ‌ها نگذارم و دست خود را در پهلوی فرو نبرم، هرگز ایمان نخواهم آورد.» یوحنا ۲۴:۲، ۲۵.

دوره پنتیکاست آغاز دوره «آزمون» بود؛ این دوره با دمیدن مسیح و مناقشه شک توما شروع شد. مناقشه آغازین توما نماد مناقشه یهودیان در پایان فصل پنتیکاست است. مسیح در آغاز، کلام خود و روح‌القدس را به شاگردان بخشید و در پایان فصل پنتیکاست، شاگردان کلام و روح‌القدس را به جهان رسانند.

کاری که مسیح هنگامی که بر شاگردان دمید به انجام رساند، گواهِ دوم همان کاری بود که او به تازگی با شاگردان در راه عمواس به انجام رسانده بود.

و چنین شد که وقتی با هم گفتگو و بحث می‌کردند، خود عیسی نزدیک شد و با آنان همراه شد. اما چشمانشان بازداشته شده بود تا او را نشناسند. ...

آنگاه به آنان گفت: ای بی‌خردان و کنددل در باور کردن همه آنچه انبیا گفته‌اند! آیا مسیح نمی‌بایست این رنج‌ها را متحمل می‌شد و به جلال خود داخل می‌گشت؟ و از موسی و همه انبیا آغاز کرد و در همه کتب مقدس آنچه را درباره خود بود برایشان شرح داد. و چون به دهکده‌ای که عازم آن بودند نزدیک شدند، او چنان نمود که می‌خواهد دورتر برود. اما ایشان اصرار کردند و گفتند: با ما بمان، زیرا نزدیک شامگاه است و روز رو به پایان. پس داخل شد تا نزد آنان بماند. و چنین شد که چون با آنان بر سر سفره نشست، نان را گرفت و آن را برکت داد و شکست و به آنان داد. آنگاه چشمانشان باز شد و او را شناختند؛ و او از نظرشان ناپدید شد. و به یکدیگر گفتند: آیا دل ما در درون مان نمی‌سوخت، هنگامی که در راه با ما سخن می‌گفت و کتاب‌های مقدس را برای ما می‌گشود؟ لوقا ۲۴:۱۵، ۱۶، ۲۵-۳۲.

همان‌گونه که عیسی در عمائوس «بر طعام نشست»، سپس با شاگردان غذا خورد. در هر دو مورد، خوردن نمایان است. این دو با هم نشان می‌دهند که آغاز دوره پنتکاست با دم روح‌القدس و نیز با خوردن مشخص می‌شود. رویدادهای آغازین جدالی پدید می‌آورند میان گروهی که ایمان می‌آورند و گروهی که تردید می‌کنند. خوردن، اعطای روح‌القدس و گشوده شدن کتب مقدس بیانگر این است که مسیح تعلیم خود را با «موسی و همه انبیا» آغاز کرد. تعلیم مسیح از این راه منتقل شد که خط سیر نبوتی موسی برگرفته شد و با خطوط همه انبیا هم‌راستا گردید—اندکی اینجا و اندکی آنجا.

در ۱۱ سپتامبر، دم چهار بادِ حزقیال بر استخوان‌های خشک و مردهٔ باب سی‌وهفتم وزید. در همان زمان، چنان‌که نمونه‌اش را در فرشته‌ای می‌بینیم که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد و به پیام فرشته نخست قدرت بخشید، فرشتهٔ باب هجدهم مکاشفه با پیامی که باید خورده شود فرود آمد؛ همان‌گونه که شاگردان در آغاز دوره پنتیکاست خوردند. عدم تمایل توما به ایمان آوردن نشان می‌دهد که هنگام معرفی پیام، لرزشی رخ می‌دهد.

دربارهٔ فروریختن برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر گفته می‌شود که خداوند برخاست تا «امت‌ها را سخت بلرزاند». مهم است به یاد داشته باشیم که «لرزش» در میان قوم خدا به دست کسانی صورت می‌گیرد که با پیام حقیقت می‌جنگند. لرزش‌هایی بیرونی وجود دارد، اما لرزش‌های درونی در کلیسا در بستر ارائه یک پیام رخ می‌دهند.

من از معنای تزلزلی که دیده بودم پرسیدم و به من نشان داده شد که این به سبب شهادت صریحی خواهد بود که به واسطه نصیحت شاهد امین و راستین به لاودیکیان برانگیخته می‌شود. این امر بر دل گیرنده اثر خواهد گذاشت و او را بر آن خواهد داشت که علم را برافرازد و حقیقت صریح را بی‌پرده بر زبان جاری کند. برخی این شهادت صریح را تاب نخواهند آورد. بر ضد آن برخوانند خاست، و همین است که در میان قوم خدا تزلزل پدید خواهد آورد.

دیدم که به شهادت شاهد راستین به قدر نیمه نیز اعتنا نشده است. شهادت جدی‌ای که سرنوشت کلیسا به آن وابسته است، سبک شمرده شده است، اگر نگوئیم به کلی نادیده گرفته شده است. این شهادت باید توبه‌ای عمیق پدید آورد؛ همه کسانی که واقعاً آن را بپذیرند، از آن اطاعت خواهند کرد و پاک خواهند شد. نوشته‌های نخستین، ۲۷۱.

«لرزش» درونی ناشی از کسانی است که در برابر ارائهٔ پیام لاودیکیه‌ای مقاومت می‌کنند. خواهر وایت پیام سال ۱۸۸۸ جونز و واگنر را پیام لاودیکیه‌ای می‌داند.

«پیامی که از سوی ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا برای کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کس که مدعی ایمان به حقیقت است و با این حال پرتوهای عطاشده از جانب خدا را به دیگران بازتاب نمی‌دهد.» اسناد ۱۸۸۸، ۱۰۵۳.

مقاومت در برابر پیام لاودیکیه به لرزشی می‌انجامد و خواهر وایت پیام ۱۸۸۸ را با نزول فرشتهٔ مکاشفه ۱۸ هم‌راستا می‌داند.

بی‌میلی برای کنار گذاشتن دیدگاه‌های از پیش شکل‌گرفته و پذیرش این حقیقت، در بنیاد بخش عمده‌ای از مخالفتی قرار داشت که در مینیاپولیس در برابر پیام خداوند به وسیله برادران واگنر و جونز ظاهر شد. با برانگیختن آن مخالفت، شیطان تا حد زیادی موفق شد قدرت ویژه روح‌القدس را که خدا مشتاق بود به آنان ببخشد، از قوم ما دور نگه دارد. دشمن مانع شد که آنان به آن کارایی‌ای دست یابند که می‌توانست در رساندن حقیقت به جهان از آن ایشان باشد، چنان‌که رسولان پس از روز پنتیکاست آن را اعلام کردند. نوری که باید با جلال خود تمام زمین را روشن سازد، با مقاومت روبه‌رو شد و به سبب عمل خود برادران ما تا حد زیادی از جهان دور نگه داشته

شده است. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ص ۲۳۵.

تردید توما در آغاز فصل پنطیکاست، که نماد شورش علیه پیامی بود که در روز پنطیکاست رسید، نماد تکانی بود که زمانی رخ داد که رهبران ادونتیس‌های روز هفتم برخاستند و با پیامی که جونز و واگنر در سال ۱۸۸۸ به کلیسای لائودیکیه ارائه کردند، مخالفت کردند. در ۱۸۸۸، فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد تا زمین را با جلال خود روشن سازد، اما تا حد زیادی به سبب نبود تمایل آن رهبران به کنار گذاشتن عقاید از پیش شکل‌گرفته، شورش قورح، داتان و ابیرام تکرار شد. توما، یهودیان روز پنطیکاست، شورش قورح در زمان موسی، و شورش ۱۸۸۸ همگی ۱۱ سپتامبر را نمادپردازی می‌کنند؛ زمانی که، مطابق گفته یوئیل، باید شیپور نواخته می‌شد. آن شیپور، به گفته اشعیا، برای آشکار کردن گناهان قوم خدا به صدا درآمد و بدین‌سان ۱۸۸۸ و پیام به لائودیکیه را نمادین می‌سازد. نگهبان ارمیا، که برای بازگشت به "راه‌های کهن" شیپور می‌نوازد، با اشعیا که صدایش را همچون شیپور بلند می‌کند، همسوست. نگهبانان ارمیا همان نگهبانان حبقوق‌اند که می‌پرسند موضع‌شان در مجادله یا مباحثه تاریخ خود چه خواهد بود؟

بر نگهبانی خود خواهم ایستاد، و بر برج جای خواهم گرفت، و مراقب خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون مؤاخذه شوم چه پاسخ خواهم داد. حبقوق ۱:۲

واژه «reproved» به معنای «سرزنش‌شده یا مورد مجادله قرار گرفته» است و به یک پرسش دلالت دارد، زیرا آیه بعدی پاسخی ارائه می‌دهد.

و خداوند به من پاسخ داد و گفت: رویا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا ساز تا هر که آن را می‌خواند بتواند بدود. حبقوق ۲:۲

«بحث» یا «تکان»ی که در تحقق تاریخ میلریتی آغاز شد، همان پیام ویلیام میلر و قواعد او برای تفسیر نبوت‌ها بود که در برابر الاهی‌دانان پروتستان قرار گرفت. بحث در تاریخ میلریتی با تأیید پیام میلریتی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد، هنگامی که «شخصیتی نه کمتر از عیسی مسیح» با کتابچه‌ای که یوحنا می‌بایست آن را بگیرد و بخورد، فرود آمد. جدل دیده‌بانان حبقوق، تردیدهای توما، شورش ۱۸۸۸، شورش قورح، و اتهام مستی در پنطیکاست، همگی گواه بحثی هستند که در ۱۱ سپتامبر آغاز شد. منازعه‌ای که بر سر آن بحث می‌شود، درباره پیام باران پسین است که در ۱۱ سپتامبر شروع به باریدن کرد.

پاسخ موجود در کتاب حبقوق که پیروان میلر را به تدوین نمودار ۱۸۴۳ واداشت، با شکل‌گیری دو دسته از پرستندگان ارتباط دارد؛ امری که در قورح و همدستانش در برابر موسی، در توما و سایر شاگردان؛ در استدلال یهودیان درباره مستی در روز پنطیکاست، در رهبری ادونتیسیم در سال ۱۸۸۸؛ در پروتستان‌ها در برابر پیروان میلر در ۱۸۴۴ و در دوشیزگان دانا و نادان ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دیده می‌شود.

در ۱۱ سپتامبر، مسیح روح‌القدس را همچون چند قطره، پیش از افاضه کامل در هنگام قانون روز یکشنبه، بر شاگردانش دمید. سپس فهم ایشان را به پیام نبوی گشود و با «خط بر خط» از موسی آغاز کرد و آن شاگردان را به راه‌های کهنه ارمیا بازگرداند، جایی که برای نواختن شیپور هشدار مسح شدند. دم مسیح در ۱۱ سپتامبر از چهار باد حزقیال و یوحنا آمد و آن همان پیام لاودیکیه بود؛ یعنی «شهادت صریح» که چون با آن مقاومت می‌شود، موجب لرزش می‌گردد. سال ۱۸۸۸ نماد شورش قورح، داتان و ابیرام است؛ زیرا نه تنها پیام رد می‌شد، بلکه نگهبانان برگزیده‌ای نیز که به شیپور صدایی معین می‌دادند، رد می‌شدند.

خواهر وایت نوشت که «لرزشی که دیده بودم» «ناشی خواهد شد از شهادت صریحی که نصیحت شاهد حقیقی به لائودیکیان آن را فرا می‌خواند». پیام ۱۸۸۸ همان شهادت صریح بود، و هر دو، ۱۸۸۸ و

۱۱ سپتامبر، نشانگر نزول فرشته مکاشفه هجده هستند.

شهادت صریح باید به کلیساها و مؤسسات ما داده شود تا خوابیدگان را بیدار کند.

هنگامی که به کلام خداوند ایمان آورده و از آن اطاعت شود، پیشرفتی پیوسته حاصل خواهد شد. اکنون بیاید نیاز بزرگمان را ببینیم. خداوند نمی‌تواند ما را به کار گیرد تا وقتی که در استخوان‌های خشک جان ندمد. شنیدم که چنین گفته شد: «بدون کار عمیق روح خدا در دل، بدون تأثیر حیات بخش آن، حقیقت به حرفی بی‌جان بدل می‌شود.» ریویو اند هرالد، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۲.

در ۱۱ سپتامبر، همزمان با آغاز طنین آخرین فراخوان به سوی قوم سابق عهد خدا، پیام لاودیکه به تحقق کامل خود رسید. در همان زمان، خواهر وایت می‌نویسد: «شهادتی مستقیم باید به کلیساها و مؤسسات ما ابلاغ شود تا خفتگان را بیدار کند.» پیام لاودیکه زمانی آغاز شد که فرشته مکاشفه باب هجده در ۱۱ سپتامبر فرود آمد؛ یعنی اینکه در ۱۱ سپتامبر، پیام به ادونتیس‌های روز هفتم لاودیکایی این بود و هست که «بیدار شوید». یوئیل در آیه پنج باب اول، مستان را به بیدار شدن فرمان می‌دهد. ۱۱ سپتامبر نشانگر فرارسیدن دوره نهایی آزمون برای ادونتیس است و نمایانگر فرمان یوئیل به بیدار شدن. فصل پنتیکاست با بیداری قوم خدا در ۱۱ سپتامبر آغاز می‌شود و درست پیش از قانون یکشنبه با تحقق مثل ده باکره پایان می‌یابد.

بیداری ۱۱ سپتامبر دعوتی است به واپسین نسل قوم عهد که در ارتداد فرو رفته‌اند. بیداری اندکی پیش از قانون یکشنبه، در را بر روی قوم عهد سابق می‌بندد. آغاز و پایان یکسان‌اند و در ژوئیه ۲۰۲۳ دو شاهد مکاشفه یوحنا باب یازدهم نسبت به شورش پیشگویی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بیدار شدند. بیداری میانی با شورش نمایانده می‌شود، که ۱۱ سپتامبر را به منزله حرف نخست الفبای عبری، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را به منزله حرف سیزدهم، و قانون یکشنبه را به منزله حرف بیست‌ودوم و آخر الفبای عبری شناسایی می‌کند. حرف بیست‌ودوم نمایانگر آمیزش الوهیت با انسانیت است که در آخرین آن سه بیداری نهایی می‌شود.

خداوند در یازده سپتامبر "به استخوان‌های خشک جان می‌دمد"، همان‌گونه که در آغاز دوره پنتیکاست روح‌القدس را بر شاگردان دمید. شاگردان پس از عروج او نماینده کسانی هستند که روح‌القدس را دریافت کردند و سپس فهم‌شان از کلام نبوی از طریق روش "خط بر خط" گشوده شد. دریافت روح‌القدس هنگام خوردن غذا صورت گرفت، زیرا خوردن روحانی مستلزم آن است که گوشت عیسی را بخورید و خون او را بنوشید، که او خود کلام است.

یاغیانی که با قورح، داتان و ابیرام هم‌پیمان شدند، نمایانگر طبقه‌ای هستند (همان‌گونه که رهبری ادونتیس در سال ۱۸۸۸ نیز چنین بود) که با مخالفت با پیام کرنایی شناسایی‌کننده گناهان قوم خدا موجب لرزش می‌شوند؛ پیامی که همچنین به بازگشت به راه‌های کهن، یعنی حقایق بنیادی نمایانده‌شده در «هفت مرتبه» لاویان فصل بیست‌وشش، فرا می‌خواند. این کرنا هم به احیا و هم به اصلاح فرا می‌خواند. نخستین گوهر نبوی میلر - و نیز نخستینی که از سوی ادونتیس رد شد - نشان‌دهنده آغاز و انجام جنبش میلری است. آغاز و انجام پیام فرشته نخست، آن‌گونه که میلری‌ها اعلام کردند، یا «هفت مرتبه» موسی نشان‌گذاری شده است. در آغاز پذیرفته شد و در پایان رد گردید. به سبب آن رد، حزقیال ادونتیس را همچون دره‌ای از استخوان‌های خشک و مرده تصویر می‌کند. دوره از ۱۸۶۳ تا قانون یکشنبه در ایالات متحده، بنا بر اشعیا فصل بیست‌ودو، «دره رؤیا» است؛ اما مطابق حزقیال، دره‌ای از استخوان‌های خشک و مرده است. هر دو آن دره‌های نبوی با دره یهوشافاط یوئیل هم‌راستا هستند؛ دره‌ای که یوئیل آن را «دره تصمیم» نیز می‌نامد.

با در نظر گرفتن این مفاهیم، ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه در ۱۱ سپتامبر کتاب یوئیل به همان پیامی بدل شد که پطرس در عید پنجاهه به آن استناد کرد؟ در مقالات پیش رو تلاش می‌کنیم این مفاهیم را روشن‌تر کنیم.

(نوشته شده در ۵ نوامبر ۱۸۹۲، از آدلاید، استرالیا، جنوبی، به «برادرزاده و خواهرزاده عزیز، فرانک و هتی [بلدن].»)

وقتی به وسیله روح‌القدس روشن شوید، همه آن شرارت در مینیاپولیس را چنان که هست، همان‌گونه که خدا به آن می‌نگرد، خواهید دید. اگر هرگز در این دنیا شما را دوباره نبینم، خاطر جمع باشید که شما را به خاطر اندوه و پریشانی و بار روحی‌ای که بی‌هیچ دلیلی بر من وارد آوردید، می‌بخشم. اما به خاطر جانتان، به خاطر او که برای شما مرد، می‌خواهم خطاهای خود را ببینید و اعتراف کنید. شما با کسانی که در برابر روح خدا مقاومت کردند، هم‌داستان شدید. شما همه شواهد لازم را داشتید که خداوند از طریق برادران جونز و واگنر کار می‌کرد؛ اما نور را نپذیرفتید؛ و پس از آنکه به احساسات مجال دادید و سخنانی بر ضد حقیقت بر زبان آوردید، دیگر احساس آمادگی نمی‌کردید که اعتراف کنید خطا کرده‌اید، که این مردان پیامی از سوی خدا داشتند، و شما هم پیام و هم پیام‌آوران را سبک شمردید.

هرگز پیش از آن در میان قوم ما چنین خودشنودیِ راسخ و چنین بی‌میلی به پذیرش و اعتراف به نور ندیده بودم که در مینیاپولیس بروز یافت. به من نشان داده شده است که هیچ‌یک از کسانی که روحی را که در آن جلسه ظاهر شد در دل پروراندند، دیگر نور روشنی برای تشخیص گران‌بهای حقیقتی که از آسمان برایشان فرستاده شده بود نخواهند داشت، تا زمانی که غرور خود را فرو بنهند و اعتراف کنند که محرک آنان روح خدا نبود، بلکه ذهن و دلشان از تعصب آکنده بود. خداوند می‌خواست به آنان نزدیک شود، ایشان را برکت دهد و از انحرافاتشان شفا بخشد، اما گوش فرا ندادند. آنان به همان روحی برانگیخته می‌شدند که قورح، داتان و ابیرام را برانگیخت. آن مردان اسرائیل مصمم بودند که در برابر هر دلیلی که خطای آنان را ثابت می‌کرد مقاومت کنند و در مسیر بی‌وفایی خود پی‌درپی پیش رفتند تا آن‌که بسیاری به پیروی از آنان کشیده شده و به ایشان پیوستند.

این‌ها چه کسانی بودند؟ نه ضعیفان، نه نادانان، نه بی‌بصیرتان. در آن شورش، دویست و پنجاه امیر مشهور در میان جماعت بودند؛ مردانی نامدار. ادعای آنان چه بود؟ «تمام جماعت مقدس‌اند، تک‌تک ایشان، و خداوند در میان ایشان است؛ پس چرا خود را بر جماعت خداوند برتر می‌شمارید؟» [اعداد ۳:۱۶]. چون قورح و یارانش زیر داوری خدا هلاک شدند، مردمی که آنان فریبشان داده بودند، دست خداوند را در این معجزه ندیدند. تمام جماعت صبح روز بعد موسی و هارون را متهم کردند: «شما قوم خداوند را کشته‌اید» [آیه ۴۱]، و طاعون بر جماعت آمد، و بیش از چهارده هزار نفر هلاک شدند.

«وقتی قصد کردم مینیاپولیس را ترک کنم، فرشته خداوند در کنارم ایستاد و گفت: «چنین مکن؛ خدا کاری برای تو در این مکان دارد. مردم دارند شورش قورح، داتان و ابیرام را تکرار می‌کنند. من تو را در جایگاه شایسته‌ات نهاده‌ام، اما آنان که در نور نیستند آن را به رسمیت نخواهند شناخت؛ به شهادت تو وضعی نخواهند نهاد؛ اما من با تو خواهم بود؛ فیض و قدرت من تو را نگاه خواهد داشت. آنان تو را خوار نمی‌شمارند، بلکه فرستادگان و پیامی را که من به قوم خود می‌فرستم. آنان به کلام خداوند بی‌حرمتی کرده‌اند. شیطان چشمانشان را کور کرده و داوری‌شان را کژ ساخته است؛ و مگر آن‌که هر نفس از این گناه خود، این استقلال تقدیس‌نشده که به روح خدا اهانت می‌کند، توبه کند، در تاریکی خواهند راه رفت. چراغدان را از جای خود برمی‌کنم، مگر آن‌که توبه کنند و بازگشت نمایند تا ایشان را شفا دهم. بینایی روحانی خود را تیره کرده‌اند. نمی‌خواهند که خدا روح و قدرت خود را آشکار سازد؛ زیرا نسبت به کلام من روحیه استهزا و انزجار دارند.»

سبک‌سری، بیهودگی، شوخی و لطیفه‌گویی هر روزه رواج دارد. دل‌های خود را بر این ننهادند که مرا بجویند. در جرعه‌های آتشی که خود افروخته‌اند راه می‌روند، و اگر توبه نکنند، در اندوه خواهند آرمید. خداوند چنین می‌فرماید: در جایگاه وظیفه خود بایست؛ زیرا من با تو هستم و تو را نه رها خواهم کرد و نه ترک خواهم گفت.» این سخنان خدا را جرئت نکرده‌ام نادیده بگیرم.»

نور در بتل کریک با پرتوهایی روشن و تابان می‌درخشیده است؛ اما کدام‌یک از کسانی که در جلسه مینیاپولیس نقشی داشتند، به سوی نور آمده و گنجینه‌های گران‌بهای حقیقت را که خداوند از آسمان برایشان فرستاد، دریافت کرده‌اند؟ چه کسانی قدم‌به‌قدم با رهبر، عیسی مسیح، همگام مانده‌اند؟ چه کسانی به‌طور کامل به غیرتِ نابجای خود، کوری‌شان، حسادت‌ها و بدگمانی‌هایشان، و سرکشی‌شان در برابر حقیقت اعتراف کرده‌اند؟ هیچ‌کس؛ و به سبب غفلتِ طولانی‌شان از پذیرش نور، آن نور آنان را بسیار عقب انداخته است؛ در فیض و در شناختِ عیسی مسیح، خداوند ما، رشد نکرده‌اند. آنان در دریافتِ فیض لازم که می‌توانست نصیبشان شود و آنان را در تجربه دینی به مردانی نیرومند بدل سازد، ناکام مانده‌اند.

موضعی که در مینیاپولیس اتخاذ شد، ظاهراً سدی غیرقابل عبور بود که تا حد زیادی آنان را در میان شکاکان، پرسشگران و منکران حقیقت و قدرتِ خدا محصور ساخت. وقتی بحران دیگری فرا برسد، آنان که مدت‌ها در برابر دلیل روی دلیل مقاومت کرده‌اند، دوباره در همان نقاطی آزموده خواهند شد که به‌روشنی در آن‌ها ناکام مانده بودند، و برایشان دشوار خواهد بود آنچه از جانب خداست را بپذیرند و آنچه از سوی قدرت‌های تاریکی است را رد کنند. پس تنها راه امنشان این است که با فروتنی گام بردارند، راه‌ها را برای پاهای خود راست سازند، مبدا لنگ از راه به در شود. اینکه با چه کسانی همنشینی می‌کنیم، تمام تفاوت را رقم می‌زند؛ چه با کسانی که با خدا راه می‌روند و به او ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، چه با کسانی که از حکمتِ پنداشته خود پیروی می‌کنند و در جرعه‌های آتشی که خود افروخته‌اند گام می‌زنند.

وقت و توجه و تلاشی که برای خنثی کردن نفوذِ کسانی که بر ضد حقیقت کار کرده‌اند لازم بوده است، زبانی هولناک به بار آورده است؛ زیرا ممکن بود سال‌ها در معرفت روحانی جلوتر باشیم؛ و نفوس بسیار بسیار می‌توانستند به کلیسا افزوده شوند، اگر آنان که می‌بایست در نور گام می‌زدند، شناخت خداوند را پی می‌گرفتند تا بدانند که برآمدن او چون صبح مهیا شده است. اما وقتی این همه زحمت باید درست در خود کلیسا صرف شود تا نفوذِ عاملانی را خنثی کند که چون دیواری از گرانبی در برابر حقیقتی که خدا برای قوم خود می‌فرستد ایستاده‌اند، جهان در تاریکی نسبی رها می‌شود.

خدا می‌خواست که دیدبانان برخیزند و با یک صدا پیامی قاطع برسانند و شیپور را با صدایی معین بنوازند تا مردم همگی به جایگاه وظیفه خود بشتابند و نقش خود را در آن کار بزرگ ایفا کنند. آنگاه نور نیرومند و روشن آن فرشته دیگر که با قدرتی عظیم از آسمان فرود می‌آید، زمین را از جلال خود پر کرده بود. ما سال‌ها عقب افتاده‌ایم؛ و آنان که در نابینایی ایستادند و پیشرفت همان پیامی را که خدا می‌خواست از گردهمایی مینیاپولیس چون چراغی فروزان بیرون آید، بازداشتند، لازم است دل‌های خود را در برابر خدا فروتن کنند و ببینند و دریابند که چگونه کار به سبب کوری ذهن و سخت‌دلی ایشان بازداشته شده است.

ساعت‌ها بر سر چیزهای کوچک به خرده‌گیری و جر و بحث گذشته است؛ فرصت‌های طلایی به هدر رفته است، در حالی که فرستادگان آسمانی اندوهگین شده و از تأخیر بی‌تاب شده‌اند. روح‌القدس—از ارزش آن و نیز از ضرورت دریافت آن برای هر نفس، بسیار اندک قدردانی شده است. آنان که موهبت آسمانی را دریافت می‌کنند، ملبس به زره عدالت برای خدا به نبرد خواهند رفت. آنان هدایت‌های خداوند را حرمت خواهند نهاد و برای رحمتش سرشار از شکرگزاری نسبت به او خواهند شد. اما در جاهای بسیار بسیار و در مواقع بسیار بسیار، همچون روزگار مسیح درباره

کسانی که خود را قوم خدا می‌دانستند، به راستی می‌توان گفت که به سبب بی‌ایمانی‌شان کارهای عظیم چندان نمی‌توانست انجام شود. بسیاری از کسانی که در زنجیرهای ظلمت بسته بوده‌اند، چون خدا از آنان استفاده کرده است مورد احترام قرار گرفته‌اند، و بی‌ایمانی‌شان تردید و تعصب را بر ضد پیام حقیقتی برانگیخته است که فرشتگان آسمان می‌کوشیدند از طریق مجاری انسانی منتقل کنند—عادل شمرده شدن به ایمان، عدالتِ مسیح. مواد ۱۸۸۸، ۱۰۶۶-۱۰۷۰.